فقه کلاسیک و رفتار تقیه با برخی از روایات؛ مسح پا زیرآب

شاگرد: آن وقت پالایش اصحاب و ابنعقیل چه؟

استاد: آن جاها وضوح داشته. یعنی مواردی بوده که تا زمان ابنعقیل و قبل از زمان غیبت صغری، برای خود اصحاب معصومین علیهمالسلام واضح بوده که از جراب النوره است. واضح بوده که «اتاق‌ک» است. لذا رفت‌وبرگشت می شده. با فاصله صد سال، صد و پنجاه سال –زمان کمی نیست- از زمان صادقین علیهمالسلام تا دویست و شصت. شهادت امام صادق صد و چهل و هشت بوده، شروع غیبت صغری دویست و شصت است. یعنی بیش از صد و ده سال، این فاصله‌ای است که روایات امام علیه‌السلام بین محدثین بزرگ مرتب در و بدل می شده. اصولی بوده که نوشته می شده، در دست‌ها بوده، از آن‌ها صحبت می‌کردند، این فاصله کم نیست. لذا در این فاصله روایاتی که تقیه ای بود پالایش شد. گفتم برای اصحابان معلوم بود. این روایات الآن نیست. اما برخی دیگر از آن‌ها هست. حتی اگر به زمان خودمان بگوییم سریعاً وه کردنی است. می‌گویند اینکه دیگر معلوم است تقیه است و مذهب شیعه آن است. و حال آنکه از حیث بحث کلاسیک این معلومیت را ندارد. وقتی شما نگاه می‌کنید بعضی از بحث‌های علمی آن‌ها تا مدتی بوده. خود من یادم هست، محقق اول، تا قرن هفتم بوده. تا قرن هفتم کم نیست. مثلاً الآن برای ما بگویند کسی وضو را در استخر بگیرد. درحالی‌که در استخر است وضو بگیرد. این می‌شود یا نمی‌شود؟

شاگرد: محقق فتوا دارند.

استاد: الآن در زمان ما یک چیزی است که روشن است. خُب پای او که خیس است. زیر آب چطور می‌خواهد مسح پا بکشد؟! در فدکیه برای مواردی‌که به این صورت است، صفحه‌ای را گذاشتم؛ آن مسأله، الآن برای ما طوری مطرح است اما ذهنیت محقق این است که در استخر می‌شود مسح کرد. خُب پا تر است، خُب باشد. می‌گویند نمی‌توان روی پای تر مسح کرد! از کجا می‌گویی باید ممسوح خشک باشد؟! از کجا در آوردی؟! خُب این یک فضایی است. بعداً می‌بینید همینطور تا الآن آمده و برای ما خیلی عجیب است.

الآن سایت‌های سلفی ها را ببینید. مفصل این روایات تهذیب را می‌آورند. می‌گویند برای مسح پا و غسل پا روایتی را دیدم. خود مرحوم شیخ می‌گویند معلوم است که اینها تقیه است. نسبت به ابن جنید و ... که بعید است. در میان آن‌ها ظاهراً فتوا ندارم. الآن یادم نیست. تنها چیزی که الآن به‌خاطر بحث‌های قرائات یادم هست، فقط همین عبارت فقه الرضا است. حال فقه الرضا برای صدوق اول باشد... .

شاگرد: به نظرم آن جا تخییر بود.

استاد: اصلاً استشهاد به قرائت بود. در آن جا استشهاد شد و گفتند هر دو قرائت هست؛ «ارجلَکم» و «ارجلِکم»، پس هر کدام را خواستید. خُب چرا دو تا؟ اقل الواجب مسح است، افضل الفردین واجب غَسل است. این در فقه الرضا بود. اتفاقا یکی از وجوهی که متاخرین دارند...؛ کسانی که به‌شدت مخالف فقه الرضا هستند، یکی از وجوه را همین می‌دانند. می‌گویند این یک کتاب شیعی است که بگوید اقلّ‌الواجب مسح است؟! افضل الواجب غَسل است؟! خُب شیعه که پایش را نمی‌شوید. کدام شیعه اینطور است. وضو را باطل می‌کند.

حاج آقا برای اقتدا به سنی می‌فرمودند خُب او که وضو ندارد. ما نماز درست می‌خواهیم، درحالی‌که اصل وضویی که گرفته باطل است، ما چطور به او اقتدا کنیم؟! ظاهراً فتوایشان هم احتیاط بود که تنها در موارد مندوبه می‌توانند اقتدا کنند. در غیر موارد مندوبه نمی‌توانند. در جامع المسائل نگاه کنید. در این جهت سختگیری است.

شاگرد: در مثل فتوای احد القدیمین، سؤال پیش می‌آید که احادیث تقیه ای چطور به اصول آمده؟ ظاهراً در آن زمان واضح نبوده و به یک منوال نبوده. بعضی از چیزها واضح بوده که تقیه ای است، لذا آن‌ها را در اصول نمی‌بردند. شاید بعضی از احادیث همچین وضوحی را نداشته که آن‌ها را در اصول آورده‌اند. ای شاید در تصنیف خود اصول گاهی تقیه می شده.

استاد: مانعی ندارد. ببینید پس مراحلی که من عرض کردم، این شد: در هنگام صدور روایت، صدور روایت تقیه ای خلاف حکم واقعی -که واقعاً موضوع تقیه است و خوف هست؛ «إلاّ مَن أُكرِهَ وَقَلبُهُ مطمَئِنٌّ بِالإيمانِ» [1]، «إلاّ أَن تَتَّقُوا مِنهُم تُقاةً» [2]، مواردی است که تقیه هست.

آن ها چه حمله هایی به شیعه دارند. حاج آقا می فرمودند در آیه شریفه هست؛ در اصل شریعت اسلام آمده؛ در قرآن آمده. این ها چه فحش هایی نثار شیعه می کنند که اینها اهل تقیه هستند. نه! همین طور به محضر شما بیایند که خنجرتان کشیده است و آماده هستید که آن ها را بکشید، آنها هم تقیه نکنند؟!

---

[1] النحل ۱۰۶

[2] آل عمران ۲۸

بازبینی #1
ایجاد شده آوریل 18 2026 11:44:55 توسط ... .
به روزرسانی شده آوریل 18 2026 11:46:19 توسط ... .